بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور
WWW.KONKUR.INFO

https://konkur.info

در این درس قافیه به عنوان یکی از ابزار ایجاد موسیقی در شعر مورد بررسی قرار می گیرد و طی آن با مفهوم قافیه، قواعد قافیه، تبصره های قافیه و انواع قافیه آشنا می شویم .

اما پیش از آشنایی با قافیه و مباحث آن، درباره شعر، موسیقی شعر و ارتباط قافیه با آن به طور مختصر بحثی خواهیم داشت. *(این مطلب کمک درسی است و برای دانش افزایی شما ارائه می شود)*

شعر، سرود، چامه یا چکامه یکی از کهن ترین گونه های ادبی و شاخه‌ای از هنر است.

بحث از چیستی شعر بحث دشوار و به اعتباری غیر ممکن است و تاکنون تعریف جامع و مانعی از آن صورت نگرفته است.

در تعریف های سنتی درباره شعر کهن فارسی، ویژگی اصلی شعر را موزون و آهنگین بودن آن دانسته اند.

- **ارسطو** در رساله‌ای درباره شعر که از او در دسترس است شعر را در مقابل نثر قرار می‌دهد و از شعربه عنوان سخن موزون یاد می‌کند و آن را همراه و همزاد وزن شناخته است .
- **شمس قیس رازی** در کتاب المعجم می‌گوید:

شعر سخنی است اندیشیده، مرتب، معنوی، موزون، متکرر، متساوی که حروف آخرین آن به یک مانند است(قافیه).

- **ابوعلی سینا** هم چنین نظری دارد که شعر سخنی است خیال انگیز که از اقوالی (جمع قول: سخن، کلام، آواز) موزون و متساوی ساخته شده باشد.
- **دکتر شفیعی کدکنی** هم شعر را گره خوردگی عاطفه و تخیل می‌داند که در زبان آهنگین شکل گرفته باشد

https://konkur.info

باتوجه به تعاریفی که انجام شد می‌توانیم بگوییم که:

شعر همیشه و نزد همه مردم، موزون بوده و تنها در سده (قرن) اخیر شاعران اشعار بی وزن گفته اند .

حال می خواهیم بدانیم منظور از خیال انگیز بودن شعر چیست؟

برای تفهیم بهتر مفهوم خیال انگیز بودن به مثال زیر توجه کنید:

وقتی گفته می شود « خورشید طلوع کرد » در این جمله تنها خبر از طلوع خورشید داده‌ایم و این جمله شعر نیست به این دلیل که : خیال انگیز نیست و تخیل شاعرانه در آن دیده نمی‌شود

اما اگر بگوییم «گل خورشید شکفت » این جمله شعر است به خاطر این که :

خیال انگیز است و و شاعر در تخیل خود در این جمله خورشید را به گلی تشبیه کرده که شکفته می‌شود پس این جمله خیال انگیز است. از طرفی دیگر این جمله وزن هم دارد. اگر آن را تقطیع هجایی کنیم می‌بینیم که دارای وزن عروضی فعلاتن فعلن می‌باشد.

گُ	لِ	خُر	شی	د	شِ	کُفت
U	U	_	_	U	U	_
فعلاتن				فعلن		

پس «گل خورشید شکفت» یک شعر است:

1- از خیال سرچشمه گرفته است

2- موزون و زیبا است. .

https://konkur.info

چرا «وزن» برای شعر ضروری است؟

به خاطر این که اگر وزن شعر را برهم بزنیم خواهیم دید که تا چه میزان از زیبایی و تاثیر آن در اذهان کاسته می‌شود.

به شعر زیر دقت کنید

دانه چو طفلی ست در آغوش خاک روز و شب این طفل به نَشو و نَماست

می‌بینیم که این متن، شعر است به خاطر این که :

1- خیال انگیز است و شاعر در تخیل خود دانه را به طفل تشبیه کرده است که در آغوش خاک پرورش می‌یابد و خاک را هم به مادری تشبیه کرده که دانه را در آغوش گرفته است.

2- موزون است و دارای وزن عروضی مفتعلن مفتعلن فاعلن می باشد.

پایه های آوایی	دا نِ چُ طِف	لی ست(سِ) دَر آ	غو شِ خاک
	رو زُ شَب این	طِف ل بِ نَش	وُ نَ ماست
علائم هجایی	_ U U _	_ U U _	_ U_
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	فاعلن

اگر وزن را از این شعر بگیریم، می بینیم که چقدر شور انگیزی اش را از دست می دهد.

دانه چو طفلی در آغوش خاک است این طفل روز و شب به نشو و نما است.

https://konkur.info

نتیجه : طبق تعریف های سنتی وزن و تخیل شاعرانه برای شعر لازم است.

اما: ---------- مهم ----------

غیر از وزن و تخیل شاعرانه که به شعر زیبایی و شورانگیزی و حرارت می بخشد؛ « قافیه » هم به زیبایی و خوش آهنگی موسیقی شعر می افزاید

در بیت زیر به قافیه ها دقت کنید.

1 : فتنه ام بر زلف و بالای تو ای بدر منیر قامت است آن یا قیامت، عنبر است آن یا عبیر

پایه های آوایی	فِت نِ ام بر	زُل فُ با لا	یِ تُ ای بَد	رِ* مُ نیر
	قا مَ* تَس* تان	یا قِ یا مَت	عَن بَ* رَس* تان	یا عَ بیر
علائم هجایی	U _ _ _	_ U _ _	_ _ U _	_ U _
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن

*** اختیار شاعری تبدیل هجای کوتاه به بلند در پایان واژه و حذف همزه**

اگر قافیه را در این‌بیت بر هم بزنیم و به شکل زیر بنویسیم:

2: فتنه ام بر زلف و بالای تو ای بدر منیر قامت است آن یا قیامت، عنبر است آن یا که مشک

پایه های آوایی	فِت نِ ام بر	زُل فُ با لا	یِ تُ ای بَد	رِ* مُ نیر
	قا مَ* تَس* تان	یا قِ یا مَت	عَن بَ* رَس* تان	یا کِ مُشک
علائم هجایی	U _ _ _	_ U _ _	_ _ U _	_ U _
وزن واژه	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن

*** اختیار شاعری تبدیل هجای کوتاه به بلند در پایان واژه و حذف همزه**

https://konkur.info

بیت 2 باز هم شعر است چرا که : یار و محبوب را به ماه شب چهارده تشبیه کرده(بدرمنیر در واقع استعاره از یار است) و از طرفی علاوه بر خیال انگیز بودن وزن هم صحیح می باشد یعنی اگر دو بیت را تقطیع کنیم بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن است .

تنها تفاوت این است که : در بیت اول هم وزن وجود دارد؛ هم خیال انگیز است و هم دو واژه منیر و عبیر هم قافیه هستند. بیت دوم هم مانند بیت اول، هم موزون است و هم خیال انگیز **اما** دو واژه منیر و مشک هم قافیه نیستند **به همین علت بیت دوم زیبایی و خوش آهنگی بیت اول را ندارد.**

نتیجه: قافیه به کمک وزن می آید و به شعر زیبایی خاص می بخشد.

نتیجه گیری از بحث:

موسیقی شعر به چهار بخش تقسیم می شود:

- **موسیقی کناری** که همان ردیف و قافیه است.
- **موسیقی بیرونی** شعر که همان وزن عروضی است.
- **موسیقی داخلی** که همان آرایه های لفظی است. مانند جناس، سجع، تکرار، واج آرایی و ...
- **موسیقی معنوی** که همان آرایه های معنوی است. مانند تضاد، تناسب، ایهام، تلمیح، تمثیل و ...

همان گونه که امسال خواندید با موسیقی داخلی و معنوی در بخش آرایه های ادبی کتاب علوم و فنون سه پایه تحصیلی آشنا خواهید شد.

در مورد موسیقی بیرونی هم در بخش موسیقی شعر یا همان اوزان عروضی شعر در کتاب علوم و فنون آشنا خواهید شد.

در این درس نیز با موسیقی کناری که همان ردیف و قافیه است آشنا می شوید.

https://konkur.info

درس یازدهم : قافیه

همان گونه که یاد گرفتیم، قافیه از عواملی است که در زیبایی و موسیقی شعر بسیار موثر است و اگر هنرمندانه و بدون تکلف باشد درخواننده و شنونده شور و هیجان و احساس لذت پدید می آورد.

« قافیه » از لحاظ لغوی به معنی از پی رونده و از پس در آینده است و در اصطلاح ادبی به **واژه های آخر ابیات یا (مصراع ها در برخی از قالب های شعر مانند مثنوی) گفته می شود که آخرین حرف یا حروف اصلی آنها یکی باشد.**

« ردیف » کلمه یا کلماتی است که بعد از واژه های قافیه **عیناً (از نظر لفظ و معنی)تکرار** می شوند

پس: **ردیف واژه یا واژه هایی هستند که بعد از قافیه می آیند و هم از نظر لفظ و هم از نظر معنی عین هم هستند .**

- به شعری که دارای قافیه باشد **مقفّا** می گویند.
- و به شعری که علاوه بر قافیه ردیف نیز داشته باشد شعر **مُرَدَّف** می گویند.

نکته1 : ردیف ممکن است یک حرف، یک کلمه یا بیش از یک کلمه و حتی جمله باشد

مثال:

از وبای زرق* و محرومی برآ در جهان حیّ و قیّومی درآ (مولانا)

زرق: دورویی، نفاق

همان گونه که می دانید: « بر و در » قافیه هستند و حرف« آ» ردیف می باشد.(آ مخفف مصدر آمدن و فعل امر بیا است)

https://konkur.info

مثال :

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

همان گونه که می دانید : «جان و زبان» قافیه هستند و واژه «آفرین» در هر دو مصراع ردیف می باشد.

مثال :

گوهر خود را هویدا کن کمال است است و بس خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس

همان گونه که می دانید : **هویدا و پیدا قافیه هستند و جمله : کن کمال این است و بس ردیف می باشد.**

نکته 2 : اگر شکل کلمات یکسان باشد(از لحاظ لفظی یکی باشند) اما معنا متفاوت باشد (جناس تام یا هم سان)، ردیف محسوب نمی شود.

شاعر می تواند دو کلمه هم سان را به عنوان قافیه بیاورد، به شرط آن که معنای آنها متفاوت باشد.

مثال:

غم خویش در زندگی خور که خویش به مرده نپردازد از حرص خویش (سعدی)

واژه« خویش » در دو مصراع علی رغم ظاهر یکسان، دارای معنای متفاوت است. در مصراع اول به معنای بستگان و نزدیکان و در مصراع دوم به معنای خود و خویشتن است. پس یکی از شرایط ردیف بودن در این واژه رعایت نشده است. یعنی از لحاظ لفظی عین هم هستند اما از لحاظ معنا یکی نیستند و معنای آنها متفاوت است. پس:

«خویش » در دو مصراع قافیه است.

https://konkur.info

* در همه گزینه ها ردیف وجود دارد به جز.....(گزینه دو 95)

1) سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند هم دم گل نمی شود یاد سمن نمی کند.

2) خرامان بشد سوی آب روان چنان چون شده باز جوید روان

3) جان بی جمال جانان میل جهان ندارد هر کس که این ندارد حقا که آن ندارد

4) کارم همه ناله و خروش است امشب نی صبر پدید است و نه هوش است امشب

پاسخ: در نمونه تست بالا دقت کنید که در گزینه های یک، سه و چهار واژه های « نمی کند، ندارد و امشب» در لفظ و معنا مشترک هستند و به ترتیب ردیف می باشند. اما در گزینه دوم دو واژه « روان و روان » در لفظ مشترک هستند اما در معنا متفاوت هستند و روان در مصراع اول به معنی جاری و در مصراع دوم به معنای جان و روح است. پس این دو واژه در این بیت قافیه هستند نه ردیف.

* کدام گزینه مردف است؟(قلم چی 96)

1) ابلهی دید اشتری به چرا گفت نقشت همه کژ است چرا ؟

2) اگر یک سر مو فراتر پرم فروغ تجلی بسوزد پرم

3) گلاب است گویی به جویش روان همه شاد گردد به بویش روان

4) تا چند عمر در هوس آرزو رود ای کاش این نفس که برآمد فرو رود

پاسخ: اگر دقت کنید گزینه 4 دارای ردیف است و پاسخ صحیح می باشد.

- در گزینه یک : **چرا** در مصراع اول به معنای چریدن شتر است و در مصراع دوم از واژه ای پرسشی است.
- در گزینه دو: **پرم** در مصراع اول به معنای پریدن است و در مصراع دوم به معنای بال پرنده است.
- در گزینه سه: **روان** در مصراع اول به معنای جاری و در مصراع دوم به معنای روح و روان است.
- ✓ در گزینه چهار: **رود** در هر دو مصراع به معنی رفتن است. یعنی هم دارای لفظ مشترک هستند هم معنی مشترک

https://konkur.info

واژه های قافیه: واژه هایی را گویند که حرف یا حروف قافیه در آخر آنها مشترک باشد.

حرف یا حروف قافیه کدامند؟

حرف یا حروف مشترک که در آخر واژه های قافیه می آیند، حروف قافیه اند. این حرف یا حروف مشترک برای قافیه سازی لازم است.

مثال:

به جهان خرّم از آنم که جهان خرّم ازوست عاشقم بر همه عالم که همه عالَم ازاوست

ردیف: اوست

واژگان قافیه: خرّم – عالَم

حروف قافیه: « ـَم» که در خرّم وعالَم مشترک است. (خ ـُ ر ـَم – ع ا ل ـَم).(حروف مشترک)

مثال:

شد موسم سبزه و تماشا برخیز و بیا به سوی صحرا

ردیف: ندارد

واژگان قافیه: تماشا – صحرا

حروف قافیه: « مصوت بلند ا»(یک حرف مشترک)

https://konkur.info

برای مشخص کردن حروف قافیه یعنی حروف اصلی راه ساده ای پیشنهاد میگردد.

راه تشخیص حروف اصلی :

برای تعیین حروف اصلی قافیه، از اخر واژگان قافیه، حروف مشترک را می نویسیم تا به اولین مصوّت (چه مصوت کوتاه چه مصوت بلند)برسیم. پس از این که به اولین مصوت رسیدیم از نوشتن باز می ایستیم. (به عبارتی اخرین مصوت واژه به بعد) هرچند قبل از آن مصوت، حروف مشترک دیگری داشته باشیم اما جزء حروف اصلی قافیه محسوب نمی شوند. مثلا به بیت زیر دقت کنید

کنون با خرد باید انباز گشت که فردا نماند ره بازگشت

ردیف : گشت

واژگان قافیه : انباز و باز

آ ن ب ا ز

ب✂ توقف ✋ مصوت (بلند ا) ➔ ز ➔

ب ا ز

ب✂ توقف ✋ مصوت (بلند ا) ➔ ز ➔

حال برای تعیین حروف اصلی قافیه از حرف پایانی این دو واژه شروع می کنیم که حرف پایانی مشترک انها صامت «ز» است و قبل از ان مصوت بلند « ا » که در اینجا چون به مصوت رسیدیم، توقف می کنیم بنابر این حروف قافیه« از» می شود.

مهم : توجه داشته باشید قبل مصوت بلند« ا » ، صامت «ب» در هر دو واژه مشترک است ولی جزء حروف قافیه محصوب نمی شود.

https://konkur.info

مثال

به خردی بخورد از بزرگان قفا　　خدادادش اندر بزرگی صفا

ردیف: ندارد

واژه گان قافیه : قفا – صفا

در این بیت وفا و صفا واژگان قافیه و حروف مشترک آنها- فا – است، اما ما فقط مصوت بلند « ا » را حرف اصلی قافیه می‌گیریم و به دیگر حروف مشترک (ف)کاری نداریم. چرا که طبق روش تشخیص حروف اصلی قافیه ، حروف مشترک از اخر واژه تا اولین مصوت دراخر واژه به عنوان حروف اصلی محسوب می‌شوند. در این دو واژه اولین مصوت، آخرین حرف واژه است و حروف مشترک قبل از مصوت، حروف اصلی محسوب نمی شوند .

قواعد قافیه

همان گونه که آموختیم قافیه واژه های است که ، حرف یا حروف پایانی آنها با یکدیگر مشترک است که این حروف مشترک را حروف قافیه می گویند و برای قافیه سازی لازم هستند و بر اساس آنها دو قاعده برای قافیه سازی واژگان در شعر وجود دارد.

- **قاعده شماره ۱ :**

اگر واژگان قافیه، دارای یک حرف مشترک باشند، می‌گوییم قافیه، طبق قاعده شماره یک است.

در صورتی حروف قافیه یک حرف بیشتر نیست که حرف مشترک در پایان واژگان قافیه، مصوت بلند « ا ، یا « و » باشد.

مانند این بیت از حافظ:

دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم　　واندرین کار دل خویش به دریا فکنم

https://konkur.info

ردیف: فکنم

واژگان قافیه: صحرا – دریا

حروف اصلی قافیه: مصوت بلند « ا » که در پایان واژگان صحرا و دریا آمده است.

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره یک

مثال:

یار بد مار است هین بگریز از او تا نریزد بر تو زهر آن زشت خو

ردیف: ندارد

واژگان قافیه: او – زشت خو

حرف یا حروف اصلی قافیه: مصوت بلند « و »

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره یک

- **قاعده شماره ۲ :**

اگر حروف اصلی قافیه، بیشتراز یک حرف باشد، طبق قاعده شماره ۲ قافیه سازی شده است که در این صورت حروف مشترک قافیه به دوشکل الگویی زیر خواهد بود:

- 1- مصوت (کوتاه یا بلند)+ صامت
- 2- مصوت(کوتاه یا بلند)+ صامت + صامت

https://konkur.info

مثال

ما به روی دوستان از بوستان آسوده ایم گر بهار آید و گر باد خزان آسوده ایم

ردیف: آسوده ایم

واژگان قافیه: بوستان – خزان

حروف قافیه: ان (مصوت بلند ا + صامت ن)

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

- **نکته ایی مهم :**

دقت داشته باشید هر قافیه ای که حرف پایانی اش «و» باشد، طبق قاعده شماره ۱ قافیه سازی نشده است و باید برای تعیین نوع قاعده قافیه ها به صدای واژگان و حروف قافیه ها دقت شود.

مثال

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کِشته خویش آمد و هنگام درو

ردیف: ندارد

واژگان قافیه: نو – درو

حروف اصلی قافیه: «ـُو» (مصوت کوتاه ضمه + صامت و)

- دقت شود «و» در اینجا صامت است نه مصوت بلند

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

https://konkur.info

- **نکته:**

مصوت بلند« ی » معمولاً به‌تنهایی حرف قافیه قرار نمی گیرد.

مثلا واژه ی « بازی » با « معنی » قافیه نمی شود، اما بعضی از شاعران به ندرت « مصوت بلند« ی» را تنها حرف قافیه قرار داده‌اند که این ابیات دارای اشکال قافیه است.

مثال

گاه توبه کردن آمد از مدایح و ز هِجی کز هِجی بینم زیان و از مدایح سود، نی

« مصوت بلند ی » به تنهایی حرف قافیه قرار نمی گیرد و همیشه جزء حروف الحاقی است.

- **منظور از حروف الحاقی چیست؟**

حرف یا حروفی را گویند که به واژه چسبیده یا الحاق شده اند.

بنابراین اگر آنها را حذف کنیم، به بار معنایی واژه لطمه‌ای وارد نمی‌کند و واژه بی معنی و مفهوم نمیشود؛ اما حرف یا حروف اصلی آنهایی هستند که اگر ما آنها را از آخر کلمه حذف کنیم کلمه بی معنی و مفهوم می شود یا معنایش تغییر می کند .

- **نکته : ممکن است به آخر واژه های قافیه، یک یا چند حرف الحاق شود در این صورت حرف یا حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه محسوب می شوند و رعایت اشتراک آنها لازم است اما در تعیین نوع قاعده قافیه این حروف الحاقی را باید کنار بگذاریم .**

https://konkur.info

مثال

بگذار تا بگریم چون در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

اگر دقت کنید واژه های بهاران و یاران واژگان قافیه این بیت هستند و با کمی دقت بیشتر، متوجه می‌شوید : دو واژه بهاران و یاران واژگان اصلی و حروف« ان » الحاقی می باشند.

- نکته : برای تعیین نوع قاعده قافیه سازی در این بیت ، باید حروف الحاقی را کنار بگذاریم و بدون در نظر گرفتن آن ها قاعده ی قافیه را تعیین کنیم.پس:

ردیف: ندارد

واژگان قافیه: بهاران – یاران

حروف اصلی قافیه: حروف « ار »

حروف الحاقی: حروف« ان »

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

https://konkur.info

مطالبی که در این بخش ارائه خواهد شد جهت دانش افزایی شما است و در کتاب درسی به آنها اشاره ای نشده است اما به شما در تشخیص مطالبی که تا کنون آموخته اید کمک خواهد کرد و ممکن است در آینده نیز به اموختن آنها نیاز داشته باشید.

- حروف الحاقی را به شرح زیر بشناسید.

1- شناسه ها:

جزئی که به آخر بن ماضی و مضارع اضافه می‌شود و شخص هر فعل را معیّن می‌کند، شناسه گفته می‌شود.

- بن ماضی: مصدر – ‹ ن › (رفتن – ن = رفت یا سوم شخص فعل ماضی ساده)
- بن مضارع : فعل امر – ‹ ب › (برو – ب = رو)

صرف زمان مضارع این فعل می شود:

	مفرد		جمع	
	بن مضارع	شناسه	بن مضارع	شناسه
اول شخص	رو	ـَم	رو	یم
دوم شخص	رو	ی	رو	ید
سوم شخص	رو	ـَد	رو	ـَند

مثال

نخستین به نیزه برآویختند همی خون ز جوشن فرو ریختند.

واژگان قافیه: برآویختند – فرو ریختند

حروف اصلی قافیه: یخت /حروف الحاقی: ـَند (شناسه)

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

https://konkur.info

2- ضمایر متصل:

	مفرد			جمع		
	ضمایر متصل	متصل به اسم	متصل به فعل	ضمایر متصل	متصل به اسم	متصل به فعل
اول شخص	ـَم	کتابَم	دیدَمش	ـِمان	کتابِ مان	دیدیمَش
دوم شخص	ـَت	کتابَت	دیدیَش	ـِتان	کتابِ تان	دیدیدَش
سوم شخص	ـَش	کتابَش	دیدَش	ـِشان	کتابِ شان	دیدندَش

ضمایر متصل یا پیوسته، همان طور که از نام شان پیداست به آخر فعل یا اسم وصل می شوند.

به این نکته دقت کنید که: مصوت کوتاهی که قبل از این ضمایر می آید جزء حروف الحاقی محسوب می شود.

مثلاً در واژه « کتابَت » تنها « ت » حرف الحاقی نیست بلکه مصوت کوتاه « ـَ » که قبل از آن آمده است تا این ضمیررا به واژه کتاب وصل کند جزء حروف الحاقی محسوب می شود. بنابراین در « کتابَت » حروف الحاقی « ـَت » است.

مثال

بگفتا فراتر مجالم نماند بماندم که نیروی بالم نماد

ردیف: نماد

واژگان قافیه: مجالم – بالم

حروف اصلی قافیه: حروف « ال »

حروف الحاقی: حروف« ـَم » (ضمیر متصل)

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

https://konkur.info

3- مخفف صیغه های زمان حال « بودن» :

زمان حال « فعل ماضی بودن» می‌شود « استن»

همان گونه که می گوییم : کودک بیمار بود . (بود فعل ماضی یا گذشته)

کودک بیمار است. (است فعل مضارع یا حال)

صرف صیغه های مصدر استن :

استَم- استی – است

استیم – استید – استَند

امروزه مخفف این افعال را به کار می بریم .مخفف آنها عبارتند از:

اَم – ای – ○(تهی)

ایم – اید – اَند

مثال

آتش مهر برافروخته‌اند خانمان ضعفا سوخته اند

ردیف: ندارد

واژگان قافیه: برافروخته اند – سوخته اند

حروف اصلی قافیه: حروف « وخت »

حروف الحاقی: حروف« ـِاند » *(به بند 6 دقت کنید)

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

https://konkur.info

4- صامت « ی »:

حرف « ی » آخر بعضی از واژه های مختوم به مصوت بلند « ا » و « و » نیز جزء حروف الحاقی است.

مانند :خدای – جای – موی – بوی – جوی

مثال

نشاط جوانی ز پیران مجوی که آب روان باز ناید به جوی

ردیف: ندارد

واژگان قافیه: مجوی – جوی

حروف اصلی قافیه: مصوت بلند « و »

حروف الحاقی: صامت « ی »

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره یک

دقت داشته باشید که: حرف « ج » که در هر دو قافیه مشترک است جزء حروف قافیه به حساب نمی آید که قبلاً در این مورد توضیح داده شده است .

5- پسوندها و علائم جمع

بگذار تا بگریم چون در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

واژگان قافیه: بهاران – یاران

حروف اصلی قافیه: حروف « ار »

حروف الحاقی: حروف« ان »

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

https://konkur.info

6- های غیر ملفوظ و مصوت بلند « ی »

- **نکته بسیار مهم:** گفته شد که حروف الحاقی حروفی هستند که به واژه قافیه الحاق شده باشند یا به عبارتی جزء حروف اصلی واژگان نباشد اما باید به این نکته توجه داشت که دوحرف، همیشه الحاقی محسوب می شوند هر چند جزء حروف اصلی باشند.

1- واژه هایی که به - ه غیر ملفوظ- ختم میشوند. (ه = ـِ) همیشه در حکم حرف الحاقی محسوب می‌شود. مانند خانه که در این واژه « ه » تلفظ نمی شود به همین خاطر به آن « های غیرملفوظ» می‌گوییم.

مثال

تا توانی با خرد بیگانه باش عقل را غارت کن و دیوانه باش

ردیف: باش

واژگان قافیه: بیگانه – دیوانه

حروف اصلی قافیه: حروف « ان »

حروف الحاقی: های غیر ملفوظ

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

نکته : گاهی « ه »، ملفوظ و صامت می باشد و نباید به عنوان حرف الحاقی محسوب شود.

دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده

ردیف: ندارد

واژگان قافیه: نِه – دِه

حروف اصلی قافیه: « ـِه)

https://konkur.info

حروف الحاقی: ندارد

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

2- در واژگانی که به مصوت بلند« ی » ختم می‌شوند، مصوت بلند« ی » همیشه در حکم حرف الحاقی محسوب می شود. اگر چه از حروف اصلی باشد.

مانند« علی ، یا « پری » که در این دو واژه با این که مصوت بلند « ی » جزء حروف اصلی کلمه است اما با این حال حرف الحاقی محسوب می شود

مثال

یکی مشکلی برد پیش علی مگر مشکلش را کند منجلی(مُنجَلی: آشکار- روشن)

ردیف: ندارد

واژگان قافیه: علی – منجلی

حروف اصلی قافیه: « ـَل)

حروف الحاقی: ی

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

یا این بیت ازفردوسی

دو پاکیزه پیکر حور و پری چو خورشید و ماه از سه دیگر بری

ردیف: ندارد

واژگان قافیه: پری – بری

حروف اصلی قافیه: « ـَر)

حروف الحاقی: ی

https://konkur.info

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

نکته : اخرین حرف اصلی کلمه را « رَوی » می گویند.

قافیه میانی و درونی

بعضی از شاعران برای غنی تر کردن موسیقی شعر گاه در پایان نیم مصراع نیز قافیه می‌آورند.

مثال:

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود

سعدی فغان از دست ما لایق نبود ای بی وفا طاقت نمی آرم جفا کار از فغانم می رود

در این دو بیت ما با دو نوع قافیه روبرو هستیم که:

- یکی قافیه ای که در پایان مصراع آمده است که « جانم و فغانم » می باشد و حروف قافیه اش « ان » است که با دیگر مصراع های زوج این غزل هم قافیه شده اند.
- یک قافیه دیگر هم میان مصراع آمده است. در بیت اول بدن، سخن و خویشتن و در بیت دوم ما، بی وفا و جفا است که چون درست در پایان نیم مصراع آمده و هر مصراع را به دو نیم مصراع را تقسیم کرده است به آن قافیه میانی می گویند.

https://konkur.info

گاهی قافیه در درون مصراع است. یعنی تنها در پایان مصراع یا نیم مصراع نیست بلکه ممکن است در قبل یا بعد از نیم مصراع هم قافیه آمده باشد.

بنابراین چون قافیه در درون مصراع پخش و پراکنده شده آن را قافیه درونی گویند مانند این شعر مولوی:

یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا — یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا

روح تویی نوح تویی فاتح و مفتوح تویی — سینه ی مشروح تویی بر در اسرار مرا

نور تویی سور تویی دولت منصور تویی — مرغ کُهِ طور تویی خسته به منقار مرا

می بینیم که :

- در بیت اول: یار و غار
- در بیت دوم: روح، نوح، مفتوح و مشروح
- در بیت سوم : نور، سور، منصور و طور

قافیه درونی اند و به موسیقی داخلی غزل زیبایی سحر انگیزی بخشیده‌اند.

و نگه دار، اسرار و منقار نیز به ترتیب قافیه های اصلی سه بیت هستند.

نکته: دقت داشته باشید که تفاوت قافیه میانی با درونی در این است که در قافیه میانی قافیه درست در وسط و میان مصراع می آید اما در قافیه درونی قبل و بعد از نیم مصراع نیز می آید که اگر بخواهیم شکل هندسی آنها را رسم کنیم بدین صورت است:

قافیه میانی: _____+_____ _____+_____

قافیه درونی ___+___+___+___ ___+___+___+___

https://konkur.info

ذوقافیتَین

ذو : واژه ای عربی به معنای صاحب و دارنده

قافیتین: دو قافیه

پس همانطور که از نامش پیداست شعری را گویند که دارای دو قافیه پایانی است که قافیه اصلی در واژه های آخر مصراع ها می آیدو قاعده ۱ و ۲ هم بر اساس قافیه اصلی تعیین می گردد.

مثال

گزید از غنیمت ظرایف بسی کَز آن سان نبیند طرایف کسی

این بیت دو قافیه دارد:

- 1 –ظرایف و طرایف
- 2– بسی و کسی

بسی و کسی قافیه اصلی است و قاعده ۱ و ۲ هم بر اساس قافیه اصلی تعیین می گردد.

ردیف: ندارد

واژگان قافیه: بسی و کسی

حروف اصلی قافیه: (ـَ س)

حروف الحاقی: ی

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

---

https://konkur.info

مثال

ای قصه بهشت ز کویت حکایتی شرح جمال حور ز رویت روایتی

واژگان قافیه: حکایتی – روایتی (کویت – رویت ذو قافیتین)

حروف اصلی قافیه: « ـَت)

حروف الحاقی: ی

قاعده قافیه سازی : قاعده شماره دو

نکته بسیار مهم :

قافیه ها باید هم در شکل ملفوظ و هم در شکل مکتوب یکسان باشند یعنی هر دو شکل باید رعایت شود مثلاً قافیه شعری اگر در شکل ملفوظ یکسان باشد اما در شکل مکتوب و نوشتاری یکسان نباشد قافیه نادرست است و دارای ایراد قافیه

مثلاً دو واژه « حضیض و لذیذ » هم قافیه نمی‌شوند.

زیرا آخرین حرف آنها در حضیض « ض » و در لذیذ « ذ » است. گرچه تلفظ یکسانی دارند اما در نوشتار با هم متفاوت اند.

مثال

چه گفت آن خداوند تنزیل وحی خداوند امر و خداوند نهی

در این بیت قافیه کردن وحی و نهی درست نیست زیرا « ح » با « ه » در تلفظ یکسان اما در نوشتار متفاوت اند.

https://konkur.info

قافیه در شعر نو

شعر معاصر بعد از نیما (پدر شعر نو) در سه شیوه ادامه یافت: (دانش افزایی)

1- شعر نو یا نیمایی :

- **وزن دارد اما ارکان وزنی بر خلاف شعر سنتی کوتاه و بلند می شود. به همین علت در شعر نو به جای مصراع ، بند وجود دارد**
- **قافیه دارد اما جای قافیه در آن بر خلاف شعر سنتی مشخص نیست و شاعر خود را اسیر قافیه نمی داند و انتخاب جای قافیه جنبه ذوقی دارد. مانند اشعار سهراب سپهری، فروغ فرخزاد و مهدی اخوان ثالث**

2- شعر سپید: (یا شاملویی)

- **وزن عروضی ندارد**
- **قافیه دارد اما جایگاه آن مانند شعر نو در اختیار انتخاب شاعر است.مانند اشعار احمد شاملو**

3- موج نو و سایر قالب های جدید که نه وزن عروضی دارند نه قافیه و فرق آن با نثر در تخیل شاعرانه است. مانند شعرهای احمدرضا احمدی

مثال قافیه در شعر نو:

از تهی سرشار

جویبار لحظه ها جاری ست

چون سبوی تشنه کاندر خواب بیند آب و اندر آب بیند سنگ

دوستان و دشمنان را می شناسم من

زندگی را دوست می دارم

https://konkur.info

مرگ را دشمن

وای اما با که باید گفتن این؟ من دوستی دارم

که به دشمن باید از او التجا بردن

جویبار لحظه ها جاریست ...

https://konkur.info

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور
WWW.KONKUR.INFO

https://konkur.info